



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

عوامل غیبت و موانع ظہور
حضرت ولی عصر (عج)
و رابطہ ظہور با انقلاب اسلامی

علیرضا ابراہیمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عوامل غیبت و موانع ظهور حضرت ولی عصر (عج) و رابطه ظهور با انقلاب اسلامی

نویسنده:

علیرضا ابراهیمی

ناشر چاپی:

مجله انتظار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	عوامل غیبت و موانع ظهور حضرت ولی عصر (عج) و رابطه ظهور با انقلاب اسلامی
۷	مشخصات کتاب
۷	پیشگفتار
۷	مقدمه
۸	عوامل غیبت حضرت ولی عصر
۸	اشاره
۹	ظلم ظالمین
۹	اشاره
۹	بستن درب خانه‌ی علم و حکمت
۹	از بین بردن معادن خیر و خوبی
۱۰	عود مردم به دوران جاهلیت
۱۰	سرگردان نمودن مردم
۱۱	ضعف و سستی مردم
۱۱	اشاره
۱۱	نادیده گرفتن تأکید دو دهه‌ی پیغمبر در مورد امامت
۱۱	اشاره
۱۱	در ابتدای بعثت
۱۲	قضیه‌ی غدیر خم و نصب خلافت
۱۳	بی‌توجهی بیش از دو بیست ساله به سفینه‌ی نجات
۱۳	اشاره
۱۳	رفتار با امیرالمؤمنین
۱۴	رفتار با دو آقای جوانان اهل بهشت

- هدف از خلقت غیبت را در مورد ما مردم ایجاب می‌کند ۱۵
- موانع ظهور حضرت ولی عصر ۱۵
- اشاره ۱۵
- حدیث حضرت فاطمه‌ی زهرا ۱۶
- نامه‌ی حضرت بقیه‌الله ۱۶
- حال نگاهی داشته باشیم به خودمان ۱۷
- عدم معرفت واقعی و احساس نیاز ۱۷
- ناسپاسی ۱۷
- وجود صفات رذیله و محبت دنیا ۱۷
- مردم و نفوذ شیطان ۱۸
- اشاره ۱۸
- امام زمان که تشریف بیاورند جویهای خون به راه می‌افتد و... ۱۸
- حالا حالاها خیلی مانده امام زمان بیایند ۱۹
- عدم آگاهی مردم بین وضعیت غیبت و ظهور امام زمان ۱۹
- رابطه‌ی ظهور و انقلاب اسلامی ۱۹
- اشاره ۱۹
- مواضع نیروهای امام زمان در نزدیکی شهر مستقر شد ۲۰
- تقویت نیروها در اثر پیروزی چشمگیر انقلاب اسلامی ۲۰
- پاورقی ۲۰
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۲۱

عوامل غیبت و موانع ظهور حضرت ولی عصر (عج) و رابطه ظهور با انقلاب اسلامی

مشخصات کتاب

نویسنده: علیرضا ابراهیمی

ناشر: انتظار

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين لا سيما بقيه الله من العالمين و ارواح العالمين لتراب مقدمه الفداء و اللعنه الدائمة على اعدائهم اجمعين من الآن الى قيام يوم الدين. سلام كامل خداوند بر نمايندهى خدا و كسى كه از طرف او سرپرست مهربان و هدايت كنندهى خلق است و سلام بر او كه باقيماندهى معارف الهى براى هدايت انسان است. سلام بر او كه ولى و صاحب اختيار اين دوره از زندگى انسان مى باشد. تولد آن باب الله و رحمت واسعهى الهى بر آباء گرامى و جد بزرگوارش حضرت محمد مصطفى صلى الله عليه و آله و سلم و حضرت فاطمهى اطهر عليها السلام مباركباد. همچنين ميلاد مسعودش را بر رهبر عزيزمان و همهى عاشقان و دوستان امام زمان (ارواحنا فداه) تبريك مى گوييم. اينجانب مقاله‌ى خود را تحت عنوان «عوامل غيبت، موانع ظهور و رابطه‌ى آن با انقلاب اسلامى» تقديم مى نمايم. [صفحه ۳۳]

مقدمه

غيبت در اصطلاح براى كسى استعمال مى شود كه مدتى در جايى حضور دارد و پس از آن در آن محل حاضر نمى شود حالا به هر علتى كه باشد و مدت آن هم هر چقدر باشد مثلاً به دانش آموزى كه در يك كلاس حاضر مى شود اگر مدتى سر كلاسش نيايد مى گويند فلان دانش آموز مثلاً- دو روز غيبت داشته است در مورد كارمند و ديگران نيز اين اصطلاح به كار برده مى شود. پس اصولاً بايد شخصى مدتى در جايى يا در بين جمعيتى حضور داشته باشد كه عدم حضور او در آن جمع، غيبت محسوب مى شود و الا هيچگاه به شخصى كه در يك جايى به هيچ وجه وارد نشده، عدم حضورش را غيبت نمى گويند. و آنچه كه اكنون ما از غيبت متوجه مى شويم عدم حضور امام عصر (ارواحنا فداه) در بين خودمان مى باشد. آن امام عزيزى كه تنها دوران بسيار كوتاهى از عمر طولانى اش را در بين مردم حاضر شد! چرا؟! البته در مورد غيبت امام زمان (ارواحنا فداه) آنچه كه ظاهر است مختصر تفاوتى با غيبتهای افراد عادى مى نمايد چون با توجه به حدیثی كه از امام صادق (صلوات الله عليه) نقل مى شود اين معنا برداشت مى شود. مرحوم صدوق (قدس سره) در كمال الدين و مرحوم نعمانى در كتاب غيبت (به [صفحه ۳۴] اختلاف لفظى مختصرى) نقل مى كنند كه: سدير گفت: از امام صادق (عليه الصلاة والسلام) شنيدم كه فرمود: در حضرت قائم (عليه السلام) شباهتى به يوسف هست. عرض كردم: مثل اينكه از غيبت او سخن مى گوئيد؟ فرمود: چرا اين مردم (منظور منكرين امام عصر (ارواحنا فداه) و مخالفين آن حضرتند) كه سيرتشان چون خوك است اين مطلب (غيبت امام عصر روحى فداه) را انكار مى كنند. برادران يوسف نوادگان و فرزندان پيامبران بودند، با يوسف تجارت كردند و با او خريد و فروش (از نزديك) نمودند در حالى كه برادران او، و او نيز برادر آنان بود، ولى (به خاطر آنكه زندگى او غائبانه يعنى ناشناس بود) او را نشناختند تا اينكه خودش به آنان فرمود: من يوسفم، اين مردم چه چيز را انكار مى كنند، آيا نمى پذيرند كه خداوند متعال در بعضى از اوقات خواسته باشد حجتش (امام زمان (عليه السلام)) را از آنان پنهان (ناشناس) بدارد؟ چرا چنين نباشد در حالى كه يوسف عليه السلام پادشاه مصر شده بود و بين او حضرت يعقوب

(علیه‌السلام) تنها هیجده روز راه بود که اگر خداوند عزوجل می‌خواست مکان یوسف را به آنان نشان دهد می‌توانست. و آنگاه که بشارت یوسف به آنان داده شد این مسیر هیجده روزه را در نه روز پیمودند. پس چرا این مردم نمی‌پذیرند که خدای عزوجل آنچه با یوسف انجام داد با حجت خود انجام دهد یعنی امام زمان مظلوم شما که حقش را پایمال نموده‌اند، صاحب این امر به طور عادی در میان آنان زندگی و در بازارهای مردم مسلمان راه برود (برای خرید اجناس مورد نیاز و یا بازدید احوال مسلمانان) و نیز بر فرشهایشان قدم بگذارد (برای شرکت در مجالس جشن یا ذکر مصیبت و میهمانی و غیره) در [صفحه ۳۵] حالی که مردم آن حضرت را با آنکه می‌بینند، نشناسند تا آنکه خداوند متعال اذن دهد که خود را به مردم معرفی نماید هم چنانکه به یوسف اذن داد تا خود را به برادرانش معرفی نماید و بگوید: آیا می‌دانید با یوسف و برادرش چه کردید در حالی که جاهل بودید (معرفت به مقام و کمالات روحی او نداشتید) آنان گفتند: تو همان یوسف نیستی؟ فرمود: من یوسفم و این برادرم است. [۱]. پس مشخص می‌شود که امام زمان (ارواحنا فداه) در بین ما تشریف دارند و ما ایشان را می‌بینیم [۲] همانطور که بعد از ظهور مقدسش مردم می‌گویند ما این آقا را خیلی دیده‌ایم. ولی آنچه می‌توان در مورد غیبت امام زمان (ارواحنا فداه) گفت این است که ایشان از دید معرفتی ما غایب می‌باشند. به هر حال برای این که عوامل غیبت امام زمان (ارواحنا فداه) مشخص شود چون حضرتش در بین ما تشریف دارند و مثل ما زندگی می‌نمایند (که بعدا اشاره خواهد شد که همین مثل ما زندگی کردن و عدم معرفت مردم در یکی از عوامل غیبت و موانع ظهور آن حضرت بوده است) عوامل غیبت را برای یک شخص خیرخواه و یک رهبر دلسوز صالح بررسی می‌کنیم؛ اگر شهری را در نظر بگیریم که افراد ظالم بر این شهر حکومت می‌نمایند مردم را می‌کشند حقوق مسلمشان را ضایع می‌نمایند باعث ناامنی در شهر شده‌اند و از همه گونه ظلم بالاتر و از همه‌ی تضییع حق‌ها وحشتناک‌تر این که افراد خیرخواهی که در این شهر وجود دارند و جز نجات مردم و هدایت آنها برای هدف دیگری به این شهر وارد نشده‌اند اینها باید از همه بیشتر تحت فشار قرار گیرند و هر موقع که فرصت مقتضی شد آنها را از بین ببرند. و درضمن کسانی که به این افراد صالح نزدیکترند مورد ظلم بیشتری قرار می‌گیرند. [صفحه ۳۶] از طرف دیگر مردم ساکن این شهر که این افراد برای سعادت آنها آمده‌اند نیز آنقدر شجاعت و درک و فهم ندارند که با این ستمگران مقابله نمایند و این افراد صالح را بر شهر مسلط نمایند بلکه در موارد زیادی بر عکس به ستمگران کمک هم می‌نمایند طبیعی است بعد از این که تعدادی از این رهبران دلسوز به دست ظالمین از بین رفتند در نهایت فردی که باقی می‌ماند برای متنبه شدن مردم که برای سعادت خود قیام نمایند از دید مردم غایب می‌شود. تا در نهایت این مردم را از وضع اسف باری که دارند نجات دهد. که این مثال را می‌توانیم با زندگی ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و برخورد ظالمین و مردم با آنها و در نهایت غیبت ولی عصر (ارواحنا فداه) تطبیق دهیم که انشاء الله بحث خواهد شد. در مثال مذکور تا وقتی که مردم واقعا سعادت خود را نخواستند باشند و برای آن قدم بر ندارند در ظاهر شدن آن شخص در بین مردم مانع خواهد بود که همان طور که در ظهور ولی عصر (ارواحنا فداه) مانع می‌باشد. و هر قدمی که مردم این شهر در جهت رفع موانع و کسب سعادت خود بردارند امکان ظهور و ظاهر شدن آن رهبر دلسوز بیشتر می‌شود همان طور که مردم ایران، با انقلاب اسلامی موانعی را برطرف نمودند و باعث تعجیل در ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) شدند. اکنون مباحث خود را در سه فصل تحت عنوان؛ «عوامل غیبت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) موانع ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) و رابطه‌ی ظهور با انقلاب اسلامی، تقدیم می‌نمایم.

عوامل غیبت حضرت ولی عصر

اشاره

در ابتدا باید توضیح دهم که ریشه‌ی عوامل غیبت را باید در شیطان جستجو نمود زیرا در همان آغاز درگیری بین خداوند و شیطان

طبق آیات شریفه‌ی سوره‌ی حجر که خداوند متعال به شیطان می‌فرماید چرا سجده نکردی او جواب داد که برای این که [صفحه ۳۷] بشر را از گل و لای خلق کرده‌ای و بالاخره از خدای تعالی مهلت خواست که خداوند متعال فرمود تا روز وقت معلوم مهلت داده شدی. که با توجه به روایات خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) در ذیل این آیات معلوم می‌شود که خدای تعالی تا روز ظهور امام عصر (ارواحنا فداه) به شیطان مهلت داده است. [۳] از این رو چون مهلت فعالیت و پایان زندگی شیطان تا روز قیام حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) تعیین شده آن لعین محور حملات و فعالیت‌های خود را با امام زمان (ارواحنا فداه) و حضور بین مردم که تمام بشریت بتواند از ایشان بهره‌مند شود قرار داده است. که فعالیت وی در دو جنبه‌ی زیر علت اساسی و شاید بتوان گفت غیبت را به دنبال داشته است:

ظلم ظالمین

اشاره

در مثالی که در ابتدای کلام زدیم حالا بررسی نماییم که ظالمینی که بر شهر مسلط شده‌اند و از فرماندهی کل یعنی شیطان دستور می‌گیرند برای از بین بردن اساس انسانیت چه کارهایی انجام داده‌اند:

بستن درب خانگی علم و حکمت

اساسی‌ترین کاری که افراد ظالم مسلط بر شهر می‌توانند انجام دهند اینست که کاری نمایند که رهبر دلسوزی که در شهر وجود دارد فلج شود و از فعالیت‌های خیرخواهانه‌ای که داشته به طور کلی منع شود که در این صورت بدیهی است که چه وضعی پیش خواهد آمد. آری وقتی که ظالمینی که در صدر اسلام بودند و درب خانگی علی (علیه السلام) که طبق فرمایش حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در دعای ندبه که مربوط به عشاق ولی عصر (ارواحنا فداه) می‌باشد حضرت علی (علیه السلام) درب [صفحه ۳۸] شهر علم پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می‌باشند و هر کس بخواهد وارد این شهر شود باید از درب آن وارد شود آتش زده شد و بسته گردید و حضرتش خانه نشین شد دیگر راهی از نظر ظاهر برای ورود به شهر و استفاده از علم و حکمت آن باقی نمی‌ماند یعنی با این کار رابطه‌ی مردم با روح رسول الله که دستورات هدایت کننده طبق آیه‌ی قرآن و تفسیر اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) حضرت علی (علیه السلام) بود قطع شد خوب چنین مردمی وضعیتشان معلوم است که در چه جهلی فرو رفتند و چون این بسته بودن تا زمان حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) ادامه یافت آن حضرت برای این که شرایط باز شدن این درب علم و حکمت فراهم شود و این بسته بودن ابدی نشود غیبت را اختیار نمودند.

از بین بردن معادن خیر و خوبی

ظالمینی که بر شهر مسلط شده‌اند از ترس این که شرایط انجام فعالیت‌های آن فرد و رهبر دلسوز فراهم نشود و در یک صف مناسب اساس ظلم آنها را برنیندازد تنها به از بین بردن زمینه‌ی فعالیت‌های او اکتفا نمی‌کنند بلکه با از بین بردن آن شخص خیال خود را راحت می‌نمایند. ائمه (علیهم السلام) طبق زیارت جامعه‌ی کبیره معدن هر خیر و خوبی می‌باشند یعنی آنچه از خوبی تصور شود منشاء و معدن آن ائمه اطهار (علیهم السلام) می‌باشند. وقتی که منشاء تمام خوبی‌هایی که به انسان می‌خواهد برسد در وجود ائمه اطهار (علیهم السلام) بود و ظالمینی که در آن زمان مسلط شده بودند این معادن را یکی پس از دیگری نابود کردند (البته از نظر زندگی دنیایی) باعث می‌شود که مردم به دوران جاهلیت برگردند و برای این که بشر به طور کلی از این معدن خیر محروم نشود و

به هلاکت ابدی نرسد حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) وارد به غیبت شدند. [صفحه ۳۹]

عود مردم به دوران جاهلیت

در مثال ما ظالمینی که اداره‌ی امور شهر را بزور عهده‌دار شده‌اند با این اعمال که در بالا ذکر شد مردم را به قبل از زمانی که این رهبر دلسوز وارد شهر شده باشد می‌کشانند. با توجه به فرمایش حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است (مردن در کفر و نفاق و گمراهی)» [۴] مشخص می‌شود که، وقتی مردم را از معدن علم و حکمت دور کردند و نگذاشتند بفهمند که معدن حق [۵] و معدن خیر [۶] چه کسی است و چه شخصی است که تمام سعادت دنیا و آخرتشان را تأمین می‌کند در واقع مردم را به دورانی انتقال داده‌اند که امامی در بین آنها نیامده و نبوده است. چون در دوران جاهلیت علت آن همه وحشیگری‌ها این بوده است که مردم به طور کلی از حقایق دور بوده‌اند و با توجه به این که ثابت شد معدن حق و حقیقت امام (علیه الصلاة والسلام) است حال فرقی نمی‌کند ایشان کلا در بین مردم نباشد یا در بین مردم باشند و مردم به ایشان کاری نداشته باشند. که این عمل ظالمین علت دیگری برای غیبت دردناک حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) می‌باشد.

سرگردان نمودن مردم

ظالمینی که در شهر حکمفرمایی می‌نمایند برای این که اگر زمانی شد که شرایط فراهم شد و یکی از رهبران دلسوز توانست بعضی از مردم را نجات دهد از این هدایت و نجات جلوگیری کنند باید یک کار دیگر بکنند و آن اینست که مردم را [صفحه ۴۰] طوری تربیت نمایند و به آنها چیزهایی ببخشند که خود را از آن رهبر دلسوز بی‌نیاز ببینند. آری این کار را با ائمه (علیهم السلام) نمودند در زمان خلافت بنی عباس مثلاً مأمون با وارد کردن فلسفه‌ی یونان و قرار دادن آن در برابر علم ائمه (علیهم السلام) [۷] باعث فساد در اعتقادات مردم شد و بالاخره عباسیان در زمینه‌ی احکام و اخلاق نیز فعالیت‌های چشمگیری انجام دادند به طوری که از این طریق دکانی در برابر مکتب علمی اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) که در میدان علم و دانش در اوج شهرت بودند باز کردند تا بدین وسیله مشتریان آن مکتب را کم و از فروغ آن بکاهند. [۸]. در توضیح این مطلب باید عرض کنم که چون ما مدعی هستیم که دین اسلام، دین کاملی است و هیچ نقصی و هیچ نیازی در آن راه ندارد و در قرآن همه چیز بیان شده طبق آیه‌ی شریفه‌ی «ولا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین» و ائمه (علیهم السلام) که مترجمان و حاملان حقیقت قرآن [۹] هستند تمام حقایق مادی و معنوی مورد لزوم بشر را می‌دانند. پس یک شیعه‌ی واقعی اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) در هیچ زمینه‌ای احتیاج به غیر ائمه (علیهم السلام) پیدا نمی‌کند. این کاری که عباسیان نمودند اساس اسلام را با خطر جدی مواجه نمودند که دانشمندان خارجی می‌توانند ادعا کنند که اگر اسلام دین کاملی بود چه نیازی به فلسفه‌ی یونان داشت. مثل این که حاکم و مردم یک شهر این ادعا را بنمایند که در این شهر همه‌ی احتیاجات ما موجود است و ما به هیچ وجه به دیگران احتیاج نداریم و حتی اگر آنها هم احتیاج دارند ما قادر به جوابگویی همه هستیم. حال اگر جمعی از مردم این شهر دست نیاز به سوی دیگران دراز کنند و از اجناس آنها استفاده کنند و حتی به اجناس آنها توجه بیشتری از اجناس خودشان بنمایند دو قضاوت را [صفحه ۴۱] می‌توان در اینجا نمود: یکی این که هم حاکم و هم مردم این شهر افراد دروغگو و حقه بازی هستند. دیگر این که جمعی از مردم این شهر خودشان را از زیر لوای حاکم خارج نموده‌اند و بی‌توجه به مردم و موجودی خودشان چشمشان را دارایی دیگران گرفته است. حال وقتی که اسلام ادعا می‌کند که دین کاملی است و تمام احتیاجات بشر را تا روز قیامت در بردارد اگر عده‌ای آمدند با این که در ظاهر مسلمان هستند به دین‌ها و مکاتب و علوم بیگانگان روی آورند عملاً آن که اسلام در وجود اوست یعنی امام (علیه الصلاة والسلام) را کنار گذاشته‌اند و

این گونه ظلم ظالمین که بسیار هم از این جهت موفق بوده‌اند باعث سرگردانی مردم و انزوای ائمه (علیهم السلام) شد. و از آنجا که اگر این وضع ادامه یابد با توجه به این که گفته شد یک قسمت از ظلم ظالمین از بین بردن امام معصوم (علیه الصلاة و السلام) است پس وقتی که علوم اهل بیت (علیهم السلام) این چنین کنار گذاشته شد خود ائمه (علیهم السلام) هم که از بین رفتند یعنی همه‌ی خوبیها از بین رفته است و از طرف دیگر همان طور که در ذیل بحث می‌شود مردم هم زمینه ندارند پس باید امام (علیه الصلاة و السلام) غایب شود تا دین خدا محفوظ بماند.

ضعف و سستی مردم

اشاره

در این بخش بررسی می‌کنیم که چگونه شیطان به وسیله‌ی ظالمین حاکم بر شهر از ضعف و سستی مردم آن استفاده کرد و باعث غیبت امام عصر (ارواحنا فداه) گردید: در این بخش داد سخن بسیار است چون این مسأله بود که باعث تقویت قسمت اول یعنی ظلم ظالمین شد. ظالمینی که بعد از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) جرأت پیدا نمودند مردم را به ذلت بکشاند در اثر ضعف مردم بودند حال نگاهی اجمالی داشته باشیم به میزان این ضعف تا این که متوجه شویم چگونه روایت «ارتد الناس بعد النبی الا ثلاث» و در بعضی روایت الا سبعة در مورد این مردم صدق می‌کند. [صفحه ۴۲]

نادیده گرفتن تأکید دو دهه‌ی پیغمبر در مورد امامت

اشاره

در ابتدا نگاه و بررسی اجمالی به چگونگی این تأکید پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد ولایت و امام معصوم بعد از خودشان می‌نماییم و در نهایت نتیجه می‌گیریم که بی‌توجهی و ضعف مردم به این تأکیدات و زحمات پیامبری جز غیبت امام عصر (ارواحنا فداه) نخواهد داشت:

در ابتدای بعثت

پیامبر (صلی الله علیه و آله) از همان سالهای اول بعثت شریفشان بموازات تبلیغ از رسالت خودشان مسأله‌ی امامت را نیز بیان فرمودند به طوری که اگر انسان کمی دقت نماید و انصاف به خرج بدهد این طور متوجه می‌شود که رسالت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامت ائمه هدی (علیهم السلام و السلام) دو چیز لازم و ملزوم یکدیگر بوده‌اند. وقتی که پس از سه سال از مبعث، خدای تعالی به حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) آیه‌ی «وانذر عشیرتک الاقربین» [۱۰] یعنی ای پیامبر خویشاوندان نزدیک خود را از عذاب الهی بترسان را وحی فرمود، پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از دو بار که تعدادی از اقوام خود را به وسیله‌ی حضرت علی بن ابیطالب (علیه السلام) دعوت نمودند. فرمودند: ای فرزندان عبدالمطلب گمان نمی‌کنم کسی برای اقوام خود بهتر از آنچه من برای شما آورده‌ام آورده باشد. و می‌دانید من هیچ گاه دروغ نگفته و نمی‌گویم من برای شما سعادت دنیا و آخرت را آورده‌ام یعنی خدای تعالی مرا به عنوان پیامبر برای تمام مردم دنیا مبعوث کرده و به من امر فرموده که در مرحله‌ی اول اقوام و خویشاوندان خود را راهنمایی کنم و شما که معجزه‌ی مرا در برکت یافتن این غذا دیدید و از آن غذا خوردید مانند بنی اسرائیل که آنها مائده‌ی آسمانی را خوردند و [صفحه ۴۳] ایمان نیاوردند خدای تعالی به عذاب سختی او را مبتلا خواهد فرمود و

این را هم بدانید که خدای تعالی برای هر پیامبری از اقوام و نزدیکانش وصی و وارثی قرار داده چنان که هارون را برای حضرت موسی قرار داد. و هر کس زودتر و بهتر به من ایمان بیاورد برادر من و خلیفه‌ی من خواهد بود. حالا از میان شما چه کسی زودتر این کار را می‌کند؟ «علی بن ابیطالب» (علیه السلام) از جا برخاست و گفت: من با شما بیعت می‌کنم. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دوباره و سه باره مطالب خود را تکرار کرد کسی جز «علی» (علیه السلام) جواب آن حضرت را نداد حضرت «رسول اکرم» (صلی الله علیه و آله)، «علی بن ابیطالب» (علیه السلام) را جلو خواست و با او بیعت کرد و به او فرمود: تو برادر و خلیفه و وارث و وصی منی. عکس العمل آنها این بود که رو به ابوطالب کردند و خندیدند و گفتند: پس از این تو باید فرمانبردار پسر خودت باشی و او را مسخره می‌کردند. خلاصه این که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) تا پایان عمر شریفشان آن قدر مسأله‌ی امام بعد از خودشان را چه لسانا و چه عملا بیان فرمودند که منابع مختلف شیعه و سنی به وضوح این مطلب را نشان می‌دهند. که از باب نمونه قضیه‌ای که از اواخر عمر شریفشان اتفاق افتاد را بیان می‌نمایم.

قضیه‌ی غدیر خم و نصب خلافت

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اعمال حجش را که تمام کرد و قصد رفتن به مدینه را فرمود حضرت «امیرالمومنین» (علیه السلام) و سایر مسلمانان در خدمتش بودند. وقتی به «غدیر خم» رسیدند «رسول اکرم» (صلی الله علیه و آله) در آنجا به امر پروردگار متوقف شدند مسلمانان نیز به بیعت از آن حضرت در آنجا ماندند. و علت توقفشان این بود که خدای تعالی به «پیغمبر اکرم» (صلی الله علیه و آله) امر کرده بود که «علی بن ابیطالب» (علیه السلام) به عنوان جانشین خود برای مردم معرفی کند. [صفحه ۴۴] و با این کلام پروردگار متعال جدی بودن این پیام را تأکید کرد که: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالتک و الله یعصمک من الناس ان الله لا یهدی القوم الکافرین» [۱۱] یعنی اگر این کار را نکنی رسالتی را که از جانب خدا داشته‌ای ابلاغ نکرده‌ای و خدا تو را از شر مردم ننگه می‌داد. بالاخره پیامبر (صلی الله علیه و آله) در طی خطبه‌ای که ایراد فرمودند این آیه را قرائت نمودند: «انما ولیکم الله و رسوله و الذین امنوا الذین یقیمون الصلوٰة و یوتون الزکوٰة و هم راکعون». [۱۲]. سپس حضرت فرمودند: ای مردم بزودی من برای همیشه از بین شما می‌روم و دعوت حق را لیک می‌گویم ولی در میان شما چیزی را که اگر متمسک به آن باشید هرگز گمراه نمی‌شوید می‌گذارم یکی کتاب خداست و دیگری عترتم که اهل بیت من می‌باشند و این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر بر من برگردند. ای اجتماع مردم مسلمان «علی بن ابیطالب» (علیه السلام) را بر دیگران برتری دهید زیرا او بعد از من از همه‌ی مردم از مرد و زن بافضیلت‌تر است. به وسیله‌ی ما خدای تعالی به مردم روزی می‌دهد از رحمت خدا دور است و مورد غضب پروردگار است کسی که این سخن مرا رد کند و با سخن من موافقت نداشته باشد همه بدانید که جبرئیل مرا از جانب پروردگار به این مطلب خبر داد و گفت: کسی که علی (علیه السلام) را دشمن بدارد و او را از روی محبت پیروی نکند بر او لعنت خدا و غضب خدا خواهد بود. و کوشش کنید و بپرهیزید از این که با «علی بن ابیطالب» (علیه السلام) مخالفت نمائید و بعد از آن که مسلمان شده‌اید و قدمتان در راه اسلام استوار گردیده است لغزش پیدا کنید خدا دانا است به آنچه عمل می‌کند. خلاصه این که مردم در طی سه روز زن و مرد آمدند و به حضرت «علی بن ابیطالب» (علیه السلام) تهنیت و تبریک گفتند و با آن حضرت بیعت نمودند. حدیث غدیر خم طولانی است و در آن حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) حتی در مورد حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) هم فرمایشاتی داشته‌اند ولی به خاطر طولانی شدن کلام از آن خودداری می‌کنم و فقط یک جریان از حادثه‌ی غدیر خم که نشان دهنده‌ی ضعف زیاد مردم می‌باشد چون با این که عذاب دشمنی با «علی بن ابیطالب» (علیه السلام) را با چشم خود دیدند باز می‌بینم که پس از رسول الله (صلی الله علیه و آله) با حضرتش چگونه رفتار نمودند. «حارث بن نعمان فهری» بر شتر خود سوار بود (در همان روز غدیر خم) ولی به خاطر دشمنی که با «علی بن

ایطالب» (علیه السلام) داشت به نزد «پیغمبر اکرم» (صلی الله علیه و آله) رفت و با کمال بی ادبی و دعوا گفت: ما را گفتی کلمه‌ی شهادتین بگوئید، گفتیم، پنج بار نماز بخوانیم، خواندیم، زکات بدهیم و روزه و حج و جهاد بکنیم، کردیم، چرا دیگر پسر عمت را برای خلافت معرفی کردی و به سرپرستی مسلمین گماشتی و می‌گویی بعد از من او را اطاعت کنید آیا این گفتار را از خودت می‌گویی یا از جانب خدا گفته‌ای؟ «پیغمبر اکرم» (صلی الله علیه و آله) با کمال تواضع و فروتنی فرمودند: به خدایی که جز او خدایی نیست آنچه در حق «علی» (علیه السلام) گفتم به امر خدا بود. «حارث» رویش را برگرداند و گفت: خداوند اگر آنچه محمد (صلی الله علیه و آله) در حق علی (علیه السلام) می‌گوید راست است بر سر من از آسمان سنگی بیندازد یا مرا به عذاب دردناک گرفتار کند. هنوز این سخن در زبانش بود که سنگی از آسمان بر سرش افتاد و مانند اصحاب فیل کشته شد و خداوند این آیات را نازل فرمود: «سئل سائل بعداب واقع للکافرین لیس له من دافع». [۱۳]. با توجه به مبحث بعدی مشخص می‌شود که ضعف و سستی مردم چگونه [صفحه ۴۶] تأکیدات و زحمات ۲۳ ساله‌ی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را به مقدار زیادی هدر داد و چگونه این ضعف حقایقی را که از روز، روشن تر بود پوشاند و روزگار را مانند شب ظلمانی تاریک نمود. که این پوشاندن حقایق زمینه را برای غیبت امام عصر (ارواحنا فداه) فراهم نمود.

بی‌توجهی بیش از دو‌یست ساله به سفینه‌ی نجات

اشاره

ما معتقدیم که تمام ائمه (علیهم‌السلام) و امام زمان (ارواحنا فداه) سفینه‌ی نجات انسان به ساحل سعادت می‌باشند. و برای این که مقداری از اهمیت سفینه‌ی نجات مشخص شود این موضوع را با کشتی نوح (علی نبینا و آله و علیه‌السلام) مقایسه می‌نماییم: می‌دانیم که حضرت نوح پس از آن که تبلیغش را انجام داد و جز افراد بسیار کمی به او گرویدند و بقیه به صریح آیه شریفه‌ی قرآن تبلیغ حضرت نوح جز این که بر کفر و عداوتشان می‌افزود [۱۴] اثر دیگری نداشت که خداوند متعال دستور ساختن کشتی را به حضرت نوح داد و بالاخره موقع موعود که فرا رسید خداوند به حضرت نوح دستور داد که با پیروانش سوار کشتی شوند در آنجا حضرت نوح می‌خواست فرزندش را نجات دهد که فرزندش جواب داد من به کوه‌های بلند پناهنده می‌شوم و اینگونه از غرق شدن نجات پیدا می‌کنم که سرانجام هم هلاک شد و از بین همه تنها کسانی که سوار کشتی بودند نجات پیدا کردند. بنابراین در طول تاریخ ائمه اطهار (علیهم‌السلام) که نگاه می‌کنیم از بین آن همه مسلمان تنها تعداد معدودی واقعا به ساحل نجات رسیده‌اند و بقیه در دریای پر تلاطم دنیا غرق شده‌اند چون اکثرا به طور حقیقی سوار این کشتی نجات نشده‌اند و در دریای دنیا خواسته‌اند به بوته‌های روی آب که مادیات دنیا باشد و یا اگر کوهی که در نظر آنها آسیب‌ناپذیر بوده مثل افراد قدرتمند ظالم متوسل و پناهنده شوند. [صفحه ۴۷] برای این که ضعف و سستی مردم در توجهی به سفینه‌ی نجات خاندان عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) که از علل بسیار مهم حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) می‌باشد مشخص شود چند نمونه‌ی بسیار مختصر را ذکر می‌نمایم:

رفتار با امیرالمؤمنین

با آن تأکیدی که در قبل متذکر شدیم که پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به علی بن ابیطالب (صلوات الله علیه) نمودند و در واقع نتیجه‌ی زحمات طاقت فرسای پیامبر (صلی الله علیه و آله) در ولایت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خلاصه می‌شود ببینیم چگونه مردم نسبت به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ادای دین نمودند. از علی بن ابیطالب (علیه السلام) نقل شده که فرمود: پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در آن لحظات آخر عمرش دستور داده بود تمام مردم در لشکر اسامه بن زید در خارج مدینه جمع شوند و

احدی از عرب زادگان و قبیله‌ی اوس و خزرج و غیر هم از مردم در مدینه باقی نماند، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) همه‌ی آنهایی را که ممکن بود عهد و پیمان را بشکنند و جنگ و دعوا بوجود بیاورند و کسانی که مرا به چشم کینه نگاه می‌کنند و در دل کینه‌ی مرا به خاطر کشته شدن پدرانشان یا برادرانشان یا دوستانشان در جنگها و غزوات که به دست من انجام شد، در دل داشتند به طرف خارج مدینه و به لشکر اسامه روانه کرد، مهاجرین و انصار و سایر مسلمین و حتی منافقین و کسانی که به اسلام اعتقادی نداشتند و ممکن بود توطئه کنند همه را زیر پرچم اسامه جمع کرد. منظورش این بود که مبادا کسی در بین مردم مدینه باقی بماند که چیزی بگوید که من آن را کراهت داشته باشم و کسی نباشد و که خود را در مقام خلافت و ولایت و قیام به امور رعیت ولایت بعد از او بنماید لذا آخرین کلام آن حضرت درباره‌ی امتش این بود که همه به سوی لشکر اسامه حرکت کنند و احدی تخلف نکند، بالاخره حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند، ولی با کمال تأسف پس از وفات [صفحه ۴۸] رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) دیدم عده‌ای که بنا بود در اردوگاه اسامه در لشکر باشند از دستور فرماندهی خود سرپیچی کردند و زیر پرچم او نماندند و به سوی مدینه بازگشتند. آن روز من مشغول کفن و دفن بدن مطهر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بودم و از آنچه در اطراف می‌گذشت غافل بودم. زیرا معتقد بودم مهمترین کار برایم آن روز مراسم تدفین رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است، آنها از این فرصت استفاده کردند و نقشه‌ی خود را عملی نمودند این کار آنان، آن هم در وقتی که زیر فشار مصیبت و ابتلاء به ماتمی به آن عظمت بودم مانند نمکی بود که بر زخم دلم پاشیده باشند ولی من صبر کردم و وظایف خودم را ترک نکردم. [۱۵] این یک نمونه و نمونه دیگر آن مصیبت‌های وارده بر علی بن ابیطالب (علیه السلام) در وفات فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) می‌باشد.

رفتار با دو آقای جوانان اهل بهشت

می‌دانیم که حضرت رسول در مورد حضرت مجتبی و حضرت سیدالشهداء (صلوات الله علیهما) فرمودند که این دو دو سید آقای جوانان اهل بهشت هستند. در مورد ضعفی که مردم در مقابل این دو امام مبین انجام دادند اگر بخواهیم مطلب بگوییم بسیار طولانی می‌شود ولی رفتار مردم را با حضرت سیدالشهداء آن هم خیلی مختصر متذکر می‌شویم که چگونه مردم مسلمانی که دسته جمعی بر ایشان دعوتنامه فرستادند و خود را مطیع و منقاد حضرتش معرفی نمودند وقتی پای محبت دنیا پیش آمد خون ایشان و اصحاب و فرزندان را ریختند و حرم حضرتش را اسیر نمودند و با آنها چگونه رفتار نمودند. نتیجه این که اگر مختصر دقتی بنماییم متوجه می‌شویم که همه‌ی افرادی که در مقابل ائمه (علیهم السلام) به جنگ و مقابله برخاستند و تا سر حد جان تصمیم به [صفحه ۴۹] شکستن و از بین بردن این کشتی نجات گرفتند از اول افراد کافر و ملحدی نبودند از ابتدا به ظاهر مسلمان بودند و ظاهراً اظهار محبت می‌نمودند اما چون مراحل ایمان را نپیموده بودند و تزکیه‌ی نفس ننموده بودند از آن ضعف و سستی که داشتند شیطان قسم خورده آنها را خیلی سریع و راحت از پا در آورد و آنها حداقل مقدار کمی از استقامت شیطان را که وقتی تصمیم به اغوای بشر گرفت به طور جدی الآن هم حتی پس از هزاران سال کارش را شبانه‌روزی انجام می‌دهد نداشتند که وقتی تصمیم به یاری و دفاع و اطاعت از حریم امام زمانشان گرفتند از موضع خودشان عقب نشینی نکنند که نتیجه آن بشود که بتوان به همه‌ی ائمه (علیهم السلام) مظلوم گفت. آری این ضعف و سستی مردم تا زمان امام عسکری (صلوات الله علیه) ادامه پیدا نمود و با توجه به بحثی که بعد از این می‌آید این ضعف و سستی مردم باعث غیبت امام عصر (ارواحنا فداه) شد. تا اینجا که بحث شد ممکن است این سوال پیش آید که چه دلیلی دارد برای این مردمی که این قدر ضعیف هستند و طی دهها سال نشان داده‌اند که اهل یاری و پیروی از امام زمانشان نیستند باز امامی بیاید و غایب شود؟!

هدف از خلقت غیبت را در مورد ما مردم ایجاب می‌کند

در ابتدای خلقت که خداوند متعال بدن حضرت آدم (علی نبینا و آله و علیه السلام) را آفرید ملائکه به خدای تعالی عرض نمودند که آیا می‌خواهی بشری بر روی زمین قرار دهی که فساد و خونریزی کند. [۱۶] با توجه به این آیه معلوم می‌شود که ملائکه که بندگان و عباد مکرمون خدای تعالی هستند که لا یستبقونه بالقول می‌باشند هیچ‌گاه درباره‌ی چیزی که اطلاعی ندارند چنین مطلبی را بیان نمی‌نمایند. این مطلب را روایتی که از امام صادق (علیه الصلاة والسلام) نقل شده روشن می‌نماید. [صفحه ۵۰] با این مضمون که شخصی نزد امام صادق (صلوات الله علیه) می‌رود و از حضرتش سوال می‌نماید قبل از این عالم و آدم چه چیزی بود حضرت جواب می‌فرماید عالم و آدمی دیگر. شخص سوال می‌کند قبل از آن عالم و آدم چه چیزی بوده حضرت جواب می‌دهند عالم و آدمی دیگر. بالاخره حضرت می‌فرمایند اگر تا صبح سوال کنی باز می‌گویم عالم و آدم دیگری. سپس سوال ملائکه بجا بوده است. سپس ملائکه عرضه داشتند که ما تو را تسبیح می‌کنیم و تو را تقدیس می‌نماییم و بالاخره تو را عبادت می‌کنیم چرا بشر خونریز را دوبار آفریدی؟ [۱۷]. خدای متعال جواب فرمود من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید. [۱۸] در نهایت خدای تعالی به ملائکه می‌فهماند که در نهایت جهان به صلح و آرامش و عدل و قسط می‌رسد و این دوره، مانند قبل دوره‌ی خونریزی نیست که در نهایت با همین جنگ و خونریزی دنیا تمام شود. پس آن هدفی که خدای تعالی از خلقت بشر داشته همان طور که مشاهده می‌کنیم تاکنون تحقق نبخشیده است و تنها در دوران ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) محقق می‌شود و از طرفی چون خدای تعالی به بشر اختیار داده که با اختیار خود زمینه‌ی عدل و صلح را فراهم نماید با توجه به مباحث قبلی دیدیم که در زمان ۱۱ امام معصوم بشر این کار را ننموده است باید غیبتی زمینه‌ساز ظهور باشد تا بشر آمادگی و لیاقت آن دوران را پیدا نماید. پس در زمینه‌ی بحث‌هایی که تاکنون شد چون خدای تعالی از یک طرف وعده‌ی چنین روزی را داده که اگر خواسته باشیم کل آیات و روایاتی که در این زمینه بیان شده بیاوریم مطلب بسیار طولانی می‌شود [۱۹] و از طرف دیگر می‌خواهد این امر [صفحه ۵۱] طبیعی صورت بگیرد یعنی مردم با اختیار خودشان سعادت خودشان را بدست بیاورند و تاکنون به این خواست الهی جامه‌ی عمل نپوشانده‌اند باعث غیبت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) شده است.

موانع ظهور حضرت ولی عصر

اشاره

در این قسمت می‌خواهیم ثابت کنیم موانع ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) فقط از مردم نشأت می‌گیرد چون برای ظهور دو چیز لازم است یکی دنیا پر از ظلم و جور شود دیگر این که مردم آمادگی تشریف‌فرمایی امام زمان (ارواحنا فداه) را پیدا نمایند. قسمت اول یعنی این که دنیا باید پر از ظلم و جور شود که ثابت کردیم تقریباً پس از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) دنیا پر از ظلم و جور شد. زیرا ما چون همیشه چشمانمان به ظواهر و مالک اشیاء است هیچ‌گاه حقیقت ملکوت اشیاء را نمی‌بینیم و علت اصلی تمام بدبختی‌های ما نیز همین است. مثلاً این آیه‌ی شریفه اشاره به همین مطلب دارد که خداوند متعال می‌فرماید: «و قال الملائم من قومه الذین کفروا... ما هذا الا بشر مثلکم یا کل مما تأکلون منه و یشرّب مما تشربون و لئن اطعتم بشرا مثلکم انکم اذا لخاصرون». [۲۰] تا آنجا که این کفار می‌گویند: «ان هی الا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا و ما نحن بمبعوثین». [۲۱]. یعنی کسانی که حق را می‌پوشاندند و نمی‌خواستند حق را ببینند چون تنها ظاهر را نگاه می‌کردند می‌گفتند این (منظور پیامبر آن قوم) نیست مگر بشری مثل شما از آنچه شما می‌خورید می‌خورد و از آنچه می‌نوشید می‌نوشد که اگر از او که بشری مثل شماست اطاعت کنید حتماً زیان‌کننده خواهید بود و برای ما فقط زندگی دنیاست و ما مبعوث و برانگیخته نخواهیم شد. خوب این سخن آنان بود [

صفحه ۵۲] حال اگر ما هم در مورد ظلم فقط این را بیان کنیم که ظلم یعنی این که در تمامی شهرها و روستاها و همه جای دنیا کشتار و جنگ و خونریزی باشد و چون الآن جاهایی مثل ایران هست که این گونه نیست پس دنیا پر از ظلم و جور نشده بسیار اشتباه خواهد بود. چون اگر اکنون این طور فرض کنیم که در هیچ جای دنیا جنگ و خونریزی نباشد و همه‌ی مردم به جای ۲۰ سال و ۳۰ سال، ۱۲۰ سال عمر کنند، خوب این عمری که بویی از انسانیت در آن نباشد، این زندگی که در آن از خدا و معنویت خبری نباشد چه فایده و ثمری دارد؟ بنابراین ظلم واقعی اینست که خدای تعالی که ما را در این مدت کوتاه عمر انسان در دنیا آورده است و سعادت زندگی ابدی ما به این دنیا بستگی دارد ما نتوانستیم آن سعادت را کسب کنیم ظلم واقعی اینست که ما امام زمان (علیه السلام) داشته باشیم امامی که زندگی ما به او وابسته است و ما آدرسش را نداشته باشیم و نتوانیم از محضرش کسب معارف و حقایق را بنماییم. مثالی بزنم تا مطلب انشاءالله روشن تر شود. مثلاً شخصی که همه‌ی سرمایه‌اش ۱۰ میلیون تومان است وقتی به او واقعا ظلم می‌شود که یا همه‌ی ۱۰ میلیون تومان او را کسی ناپود کند و یا مثلاً نه میلیون و نهصد و نود هزار تومان آن را. ولی اگر از این ۱۰ میلیون تومان، فقط ۱۰ هزار تومان آن از بین رفت هیچ شخص واقع بینی نمی‌گوید ظلم واقعی به این شخص شده نهایت می‌گوید مقداری به او ظلم شده است. ما انسانها در مثل این طور هستیم وقتی که قرار شد زندگی میلیاردها مسأله‌ی مان به همین زندگی ۶۰-۷۰ ساله‌ی دنیا بستگی داشته باشد و نتوانیم آن زندگی ابدی را تأمین کنیم و کسب نماییم مانند یک کاسب که مغازه دارد سرمایه و جنس هم دارد ولی تمام اجناسش کرم خورده و فاسد است نمی‌تواند کسب نماید ما هم چه امام (علیه الصلاة والسلام) از نظر ظاهر در کنار ما تشریف داشته باشند یا نداشته باشند وقتی نمی‌توانیم از مغازه دنیا با اجناسمان که ساعتها عمرمان می‌باشد کاسبی که کسب معرفتی و [صفحه ۵۳] کمالات از وجود مقدس حضرتش می‌باشد بنماییم هیچ فرقی ندارد و ما در هر حال مورد ظلم واقع شده‌ایم و وقتی تمام مردم جهان این چنین باشند جهان پر از ظلم و جور شده است. پس باید از این فکر بیرون بیاییم و منتظران این جهت برای ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) نباشیم. و مکر شیطان را از این جهت خنثی نماییم. حالا سوال این است که اگر دنیا پر از ظلم و جور شده چرا امام زمان (ارواحنا فداه) تشریف نمی‌آورند؟! اینجاست که باید علت را در خودمان چه فردی و چه اجتماعی جستجو کنیم آری باید یک بررسی نماییم و ببینیم آیا ما از نظر اعتقاد و عمل با مردم صدر اسلام و زمان ائمه اطهار (علیهم السلام) فرقی کرده‌ایم یا نه؟ یعنی از آنهایی نیستیم که نامه به امامشان بنویسند و بعد که امام (علیه الصلاة والسلام) تشریف آوردند ایشان را تنها رها کنند. و در تأیید این مطلب که موانع ظهور را باید در مردم جستجو نمود و مدرک ذکر می‌شود:

حدیث حضرت فاطمه‌ی زهرا

حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) طبق فرمایشاتی که به شخصی به نام محمود بن لبید دارند از قول حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) چنین فرمودند: «خدا را شاهد می‌گیرم که شنیدم می‌فرمود: علی بهترین کسی است که به جای خودم در میان شما باقی می‌گذارم و اوست امام و خلیفه‌ی بعد از من و نیز دو فرزندم (حسن و حسین) و نه فرزند حسین که پیشوایان شایسته‌اند، اگر از آنان پیروی نمودید آنان را هدایت کننده و هدایت شده خواهیم یافت و اگر به خلاف آنان حرکت کنید و مخالفت نمائید تا روز قیامت بین شما اختلاف خواهد بود. [۲۲]. [صفحه ۵۴]

نامه‌ی حضرت بقیه‌ی الله

حضرت بقیه‌ی الله (ارواحنا فداه) طی نامه‌ای به شیخ مفید (قدس سره) می‌فرماید: اگر شیعیان ما یکپارچه و یکدل به پیمان خود با ما وفا می‌کردند هرگز سعادت دیدار ما و میمنت ملاقات با ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد و همانا دیداری با معرفت واقعی از سوی آنان

نسبت به ما با عجله به سراغشان می‌آمد و تنها اعمال بد خود آنان است که آنان را از ما محروم نموده است. [۲۳].

حال نگاهی داشته باشیم به خودمان

عدم معرفت واقعی و احساس نیاز

اکثر افراد معرفت درستی نسبت به امام زمان (ارواحنا فداه) ندارند برای اینکه این موضوع روشن شود با مثالهایی این مطلب را بیان می‌نمایم: به طور کلی انسان به هر چیز به اندازه‌ی شناختی که از آن دارد روی می‌آورد مثلاً- چرا اکثر افراد دنبال مادیات هستند چون این چنین برایشان جا افتاده که هر کس مادیاتش خوب باشد در زندگی راحت است، به کسی محتاج نیست، تا آخر عمر آقای خود است و الی آخر. یا نیاز انسان به آب، چون می‌داند حیاتش به آن بستگی دارد اگر مجبور باشد به حالت سینه خیز هم که شده می‌رود و خود را به آن می‌رساند. برای اینکه به میزان معرفت‌مان نسبت به امام زمان (ارواحنا فداه) و مقدار احساس نیازمان به ایشان پی ببریم به فرمایش حضرت در تشریف یکی از اخیار در مسجد جمکران توجه نماییم. حضرت فرمودند: شیعیان ما به اندازه‌ی آب خوردنی ما را نمی‌خواهند اگر بخواهند دعا می‌کنند و فرج ما را می‌رسد. به راستی آیا ما به اندازه‌ی آب خوردن که وقتی تشنه می‌شویم دنبال آن می‌رویم به آب حیات که حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) است [صفحه ۵۵] اهمیت می‌دهیم. وقتی که حضرت سید الشهداء و امام صادق (صلوات الله علیها) می‌فرمایند: لو ادر کته لخدمته ایام حیاتی: اگر زمان فرزندانم حجه بن الحسن (علیه السلام) را درک می‌نمودم تمام عمر خدمتگذارش بودم. اگر ما هم امام زمانمان را می‌شناختیم و واقعا درک می‌نمودیم که همه چیزمان به وجود امام زمان (ارواحنا فداه) بستگی دارد. [۲۴] و ایشان خلیفه الله و لسان الله و عین الله [۲۵] می‌باشند ما هم به حضرت سید الشهداء و امام صادق (صلوات الله علیهما) اقتدا می‌کردیم و تمام عمرمان را صرف خدمتگذاری آن وجود مقدس می‌نمودیم پس عدم معرفت، عدم نیاز را به دنبال دارد و همان طور که اگر انسان تشنه باشد ولی به طرف آن حرکت نکند همین طور هم اگر ما به طور واقعی به طرف امام زمان (ارواحنا فداه) حرکت نماییم باید عدم ظهور را در خودمان جستجو کنیم.

ناسپاسی

یکی دیگر از موانع ظهور که از مردم نشأت می‌گیرد ناشکری و ناسپاسی مردم در مقابل نعمات بی‌حد و حساب معنوی و مادی الهی بخصوص نعمت ولایت که بزرگترین نعمت است می‌باشد که معصیت‌ها نشان دهنده‌ی این ناسپاسی می‌باشند و از آنجا که خدای تعالی فرموده است «و ان شکرتم لا زیدنکم و ان کفرتم ان عذابی لشدید». اصولاً کفر به معنای پوشاندن حق است که وقتی حق خدای تعالی و ائمه اطهار (علیهم السلام) پوشانده شود عذاب بسیار شدیدی به صریح این آیه‌ی قرآن به دنبال دارد و اگر انسان بفهمد هیچ عذابی شدیدتر از دوری از امام و مقتدای خویش وجود ندارد. [صفحه ۵۶]

وجود صفات رذیله و محبت دنیا

که این مسأله از عدم معرفت به امام زمان (ارواحنا فداه) و غفلت از آن حضرت نشأت می‌گیرد چون اگر خودمان را صاحبخانه‌ای در نظر بگیریم که میهمانی بسیار با عظمت و شخصیت که حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) باشند می‌خواهد تشریف بیاورند همان طور که در مقابل یک میهمان عادی خانه‌ی خود را تمیز می‌کنیم هر گونه نقصی را تا حد امکان برطرف می‌نماییم لوازم مورد نیاز برای میهمان را مهیا می‌کنیم و منتظر آمدن میهمان می‌شویم اگر در مقابل امام زمان (ارواحنا فداه) هم همین قدر بیدار بودیم و

ایمان داشتیم که هر لحظه ممکن است تشریف بیاورند [۲۶] خانه‌ی دل خود را از جمیع گناهان و صفات رذیله و صفات حیوانی و شیطانی و محبت دنیا پاک می‌نمودیم و آن را برای تشریف فرمایی آن عزیزترین عزیزها مزین به صفات حمیده می‌نمودیم ولی غفلت بزرگی که ما را فرا گرفته آنچنان ما را در صفات رذیله و محبت دنیا غرق نموده که شاید اصلاً به فکر اینکه برای ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) باید قدری از آنچه که با شأن و مقام آن حضرت منافات دارد کناره بگیریم نیفتیم.

مردم و نفوذ شیطان

اشاره

بدیهی است وقتی که مردم خانه‌ی دل خود را برای ورود امام زمان (ارواحنا فداه) آماده نکنند آنجا محل رفت و آمد شیطان و اولیائش می‌شود. و وقتی که این چنین شد شیطان انسان را به هر جا بخواهد می‌کشاند و هر دستوری بدهد مجاب واقع می‌شود. از آنجا که شیطان پایان عمرش با ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) می‌باشد در مسأله‌ی ظهور تاکنون حساسیت زیادی نشان داده و می‌دهد مردم را امر به انواع فسادها و گناهان بزرگ و کوچک از نظر عمل می‌نماید اعتقادات آنها را [صفحه ۵۸] خراب می‌کند و با حملات سنگین خود و اولیائش اخلاق و صفات انسانی را از انسان زایل می‌نماید که همه‌ی اینها به وضوح در جهان کنونی مشاهده می‌شود. از باب نمونه دو ضربیه‌ی اعتقادی که شیطان به کسانی که به امام زمان (ارواحنا فداه) اعتقاد دارند و نسبت به آن وجود مقدس محبت دارند ذکر می‌کنم خودتان قضاوت کنید این دو مورد چقدر در طولانی کردن غیبت و منع ظهور موثر است.

امام زمان که تشریف بیاورند جویهای خون به راه می‌افتد و...

یکی از چیزهایی که بر سر زبان عامه‌ی مردم هست و من چون مدتی در دانشگاه بوده‌ام و این طرف فکر راحتی در دانشجویان دیده‌ام از زبان آنها ذکر می‌کنم: یکی از تولدهای مبارک ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بود من به یکی از دانشجویان عرض کردم که دعا کن خدا عیدی ما را فرج امام زمان (ارواحنا فداه) قرار دهد ایشان با این مضمون جواب داد: که اگر امام زمان (ارواحنا فداه) بیاید اول گردن من و تو را می‌زند. پر واضح است کسی که چنین اعتقادی دارد که از امام زمان (ارواحنا فداه) یک چهره‌ی خونریز و سفاک (نستجیر بالله) در ذهن دارد همیشه از ظهور آن حضرت در هراس است و می‌گوید نکند امام زمان (ارواحنا فداه) ظهور کند و گردن من را بزند. اموال را بگیرد و... و انسان از چیزی که هراس داشته باشد به طرف آن نمی‌رود. من البته جواب او را در رد این اعتقادش دادم و امروز با استفاده از قرآن و روایات عرض می‌کنم که اگر ما معتقدیم که امام زمان (ارواحنا فداه) فرزند رسول الله که رحمه للعالمین است می‌باشند و همان اخلاق حسنه‌ای که در رسول الله بوده در امام زمان (ارواحنا فداه) است و امام زمان (ارواحنا فداه) رحمه واسعه‌ی الهی [۲۷] می‌باشند که این رحمت شامل [صفحه ۵۸] همه‌ی موجودات می‌شود [۲۸] و از طرف دیگر آن قدرتی که امام زمان (ارواحنا فداه) دارند حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) هم داشتند پس می‌بایست وقتی حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در میان آن مردم وحشی که هیچ بویی از انسانیت نداشتند مبعوث شدند همه را از دم تیغ بگذرانند و جز تعداد معدودی باقی نگذارند و آیا عاقلانه است که این طور که در بین ما جا افتاده که حضرت ۳۱۳ نفر یار دارند و اینها دارای کمالات هستند بقیه که طبق آنچه بیان ما رایج است معصیت کار و دارای نقص هستند پس باید همه کشته شوند و امام زمان (ارواحنا فداه) با همان ۳۱۳ تن در کوه‌ی زمین بمانند. امام زمان (ارواحنا فداه) تشریف می‌آورند که مردم را تربیت کنند آنها را به کمال برسانند، اسوه‌ی حسنه‌ای برای مردم باشند نه اینکه الگویی باشند که هر کس کوچکترین خطایی کرد پیروان ایشان او را

به شدیدترین وجه مجازات کنند چون راهنمایان نستجیر بالله چنین است. بله! در نهایت افرادی هستند که مثل غده‌ی سرطانی که علاج پذیر نیستند اینها را حضرت به وسیله‌ی یاران‌شان به طوری که به کسی کوچکترین ظلمی نشود از بین می‌برند.

حالا حالاها خیلی مانده امام زمان بیایند

یکی دیگر از افکاری که شیطان در بین شیعیان رایج کرده و مردم عملاً به آن معتقد می‌باشند و بدین وسیله شیطان مانع ظهور شده است این است که حالا حالاها خیلی مانده امام زمان (ارواحنا فداه) بیایند. می‌دانیم اثر این اعتقاد چقدر وحشتناک است. در مثال میهمانی که زدیم اگر میهمان اطلاع ندهد که چه وقت می‌آید و فقط بگوید من هر لحظه امکان دارد بیایم صاحبخانه در اسرع وقت شرایط را برای آمدن میهمان فراهم می‌کند و هر لحظه انتظار در زدن و وارد شدن میهمان را [صفحه ۵۹] می‌کشد ولی اگر این صاحبخانه غفلت کرد و این طور فکر کرد که این روزها و این هفته‌ها امکان ندارد میهمان بیاید به طور کلی از میهمان و تمیز کردن خانه و آماده نمودن شرایط برای آمدن میهمان غافل می‌شود شیطان با ما که تحت نفوذ او هستیم چنین نموده است و اگر طبق آیه‌ی قرآن به ضمیمه روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) و دعای عهد، که خداوند در قرآن می‌فرماید: انهم بیرونه بعیدا و نریه قریبا. [۲۹] اگر به کسی بگویی ظهور نزدیک است می‌گوید حالا حالاها خیلی مانده امام زمان (ارواحنا فداه) بیایند. نتیجه‌ی آن این می‌شود که انسان از امام زمان (ارواحنا فداه) غافل شود، خودش را برای ورود و ظهور ایشان آماده ننماید و بالاخره مانع در امر ظهور مقدس حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) به وجود آورد.

عدم آگاهی مردم بین وضعیت غیبت و ظهور امام زمان

برای اینکه این مسأله روشن شود مثالی می‌زنم: ما می‌دانیم که بسیاری از روستائیان چه در گذشته و چه در حال از روستاهای خود به شهر مهاجرت کرده و می‌کنند. آیا دقیقاً فکر کرده‌ایم چرا چنین می‌شود. آیا فکر کرده‌ایم شاید، بعضی از روستائیان تا قبل از آمدن به شهر، شهر ندیده باشند ولی چه عاملی باعث می‌شود که چنین عمل قابل توجهی را انجام دهند. چون خیلی از این افراد با مهاجرت به شهر از خانه و کاشانه و وطن خود و از پدر و مادر و اقوام خویش و به طور کلی از همه‌ی تعلقاتی که مربوط و مختص به آن روستاست دست می‌کشند و چه بسا با سختی خود را به شهر می‌رسانند برآستی چه عاملی باعث شده اینها چنین تصمیمی بگیرند و این چنین از همه چیز چشم‌پوشی کنند. جواب داده می‌شود که عده‌ای که به شهر رفته‌اند از خصوصیات و مزایات شهر [صفحه ۶۰] تعریف کرده‌اند به آنها گفته‌اند که در شهر پول زیاد است، در شهر برق هست، آب به آسانی در دسترس است همه‌ی احتیاجات شما به راحتی در دسترس شماست خانه‌ی خوب، مرکب خوب و الی آخر. این تعریفات از یک سو و نگاه کردن به وضعیت روستا که از همه‌ی امکانات رفاهی محروم است باعث می‌شود اینها به هر صورت که شده به شهر مهاجرت کنند. حال اگر افرادی باشند که با تتبع در آیات و روایات خودشان زمان ظهور را درک کنند و برای مردم بیان نمایند و مردم که خود را در مقابل آن همه مزایا بدبخت و محروم می‌بینند به هر صورت که شده از روستای معصیت و صفات رذیله و بی‌امان زمان بودن به شهر پاکی و صفات حمیده و امام زمان داشتن مهاجرت می‌کنند و مانع ظهور برطرف می‌شود.

رابطه‌ی ظهور و انقلاب اسلامی

اشاره

آنچه مسلم است و یک نگاه منصفانه این مطلب را برای ما روشن می‌نماید این است که انقلاب اسلامی که در کشورمان به وقوع

پیوست خیلی باعث تعجیل در ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) شد چون زمینه‌های نفوذ شیطان به مقدار قابل توجهی در کشور ما از بین رفت و مردم از آن غفلتی که داشتند بیرون آمدند که در زیر مورد بحث قرار می‌گیرد:

مواضع نیروهای امام زمان در نزدیکی شهر مستقر شد

با توجه به مباحثی که قبلاً بیان شد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شهر علم و حکمت و هر یک از ائمه (علیهم السلام) در آن می‌باشند. کاری که پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در اثر ضعف و سستی مردم، ظالمین و شیاطین جنی و انسی انجام دادند این بود که بین امیرالمومنین و دیگر ائمه و امام زمان (ارواحنا فداه) با مردم هزاران [صفحه ۶۱] کیلومتر جدایی روحی و معنوی انداختند و با قدرت از نزدیک شدن مردم به دروازه‌های شهر علم و حکمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) جلوگیری نمودند که بحث آن در قبل گذشت اما با پیروزی انقلاب اسلامی نیروهای امام زمان (ارواحنا فداه) که شیعیان باشند موانع بسیاری را از بین بردند و فاصله را به میزان زیادی کاهش دادند و مواضع جدیدی نسبت به شهر و دروازه‌ی آن یعنی امام زمان (ارواحنا فداه) که از مواضع قبل از انقلاب خیلی نزدیکتر است اتخاذ نمودند به طوری که می‌توانند با یک انقلاب دیگر مانند انقلاب اول خودشان را به دروازه برسانند و وارد شهر علم و حکمت شوند. «این انقلاب چراغ سبزی بود به شیعیان که شما می‌توانید با همین همت و فداکاری مستقیماً ظهور امام زمان -ارواحنا فداه- را از خدا بخواهید و خداوند متعال آن را دریغ نخواهد فرمود...» [۳۰]. که البته این پیروزی را باید مرهون الطاف حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) و یاری آن حضرت دانست که با رهبری شخصی که نائب امام زمان (ارواحنا فداه) در جهان معرفی شد انجام گرفت.

تقویت نیروها در اثر پیروزی چشمگیر انقلاب اسلامی

همان طور که جهان هنوز از پیروزی انقلاب اسلامی متحیر است، مردم ایران هم شاید تصور این پیروزی را نمی‌نمودند. چون آن چنان شیاطین پنجه‌های تسلط خود را افکنده بودند که پیروزی انقلاب بسیار بعید می‌نمودند ولی با پیروزی انقلاب اسلامی نیروها دیدند که می‌شود پیروز شد بنابراین با نیرویی که در اثر نزدیکی به دروازه‌ی شهر علم یعنی حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) کسب نمودند تقویت شدند و بسیاری از مواضع خطر که از سوی دشمنان حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) پیش آمد [صفحه ۶۲] با قوتی که از آن حضرت گرفته بودند مقاومت نمودند. که انشاءالله با تقویت روز افزون و سریع نیروهای حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) که یک اتحاد همگانی دیگر مانند انقلاب اسلامی را در پی خواهد داشت شاهد سریع ظهور حضرت بقیة الله (روحی و ارواح العالمین لثراب مقدمه الفداء) باشیم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

باورقی

- [۱] یوسف، ۹۱-۹۰؛ اكمال الدین صدوق، ج ۲، ص ۳۴۱، ح ۲۱؛ مکمال المکارم، ج ۲، ص ۳۷۵ از نعمانی.
- [۲] دعای ندبه (مفاتیح الجنان)...بنفسی انت من مغیب لم یخل منا....
- [۳] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶ و ج ۱۱، ص ۱۵۱، ح ۲۶ و برهان، ج ۲، ص ۳۴۳.
- [۴] کتاب احقاق الحق و کتاب راه‌هایی از مرگ جاهلی مدارک مفصل این حدیث را ذکر نموده‌اند.
- [۵] زیارت جامعه‌ی کبیره (مفاتیح الجنان).
- [۶] زیارت جامعه‌ی کبیره (مفاتیح الجنان).
- [۷] سیره‌ی پیشوایان، ص ۴۴۹-۵۰۰.

- [۸] سیره‌ی پیشوایان، ص ۵۰۰.
- [۹] زیارت جامعه‌ی کبیره (مفاتیح الجنان).
- [۱۰] شعراء، ۲۱۴.
- [۱۱] مائده، ۶۷.
- [۱۲] مائده، آیه ۵۵.
- [۱۳] معراج، ۱ و ۲.
- [۱۴] نوح، ۶.
- [۱۵] بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۰۶.
- [۱۶] بقره، آیه ۳۰.
- [۱۷] بقره، ۳۰.
- [۱۸] بقره، ۳۰.
- [۱۹] از باب نمونه آیه ۵ سوره‌ی قصص به زمینه‌ی روایات.
- [۲۰] مومنون، ۳۳ و ۳۴.
- [۲۱] مومنون، ۳۷.
- [۲۲] عوالم مجلد فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) ص ۵۹۴، ح ۵۵، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۲.
- [۲۳] احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۶۰۲.
- [۲۴] لو لا الحجۃ لساخت الارض بالها.
- [۲۵] دعای امام زمان (عج): اللهم اذفع عن ولیک (مفاتیح الجنان).
- [۲۶] «فان امرنا بغیة فجأة» یعنی امر ظهور ما به طور ناگهانی و سر زده صورت می‌گیرد. «نامه‌ی امام عصر (علیه السلام) به شیخ مفید (قدس سره)» احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۲.
- [۲۷] زیارت آل یاسین (مفاتیح الجنان).
- [۲۸] دعای کمیل (مفاتیح الجنان).
- [۲۹] معراج، ۶ و ۷.
- [۳۰] راهی به سوی نور، ص ۵۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید
 بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی
 آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند
 بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
 بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۳-۲۵ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبان: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

